

بودجه آموزش و پرورش

اعظم عا بديني

به بهانه روز جهانی آموزش

نامگذاری روزها در سطوح جهانی و ملی بیانگر اهمیت فوق و در واقع بهانه‌ای است تا افکار عمومی را به ابعاد مختلف آن جلب کنیم و از آن جمله (آموزش) است که به عنوان یک مساله زیربنایی و پایه توسعه کشورها نیازمند توجه خاص است. در دو سال اخیر همه‌گیری کرونا، سیستم‌های آموزشی تمامی کشورها را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است به طوری که اینک ضرورت توجه به آموزش‌های از راه دور - به شکل اثربخش- نه تنها به عنوان آموزش مکمل که حتی به شکل یک سبک آموزشی مدرن و موثر در جهان مطرح است. در این میان کشورهای توسعه یافته با پیشرفت در تکنولوژی ارتباطات و تامین زیرساخت‌های لازم در بعد سخت افزاری و نیز با ابداعات نرم‌افزارهای جدید سعی دارند نواقص آموزش‌های غیرحضوری را به حداقل رسانده و آن را به شاخصه‌های آموزش حضوری نزدیک کنند. اما در کشورهای توسعه نیافته یا رو به توسعه - همچون کشور ما - موضوع به گونه‌ای دیگر است؛ چنانچه به رغم آنکه از دیرباز «آموزش از راه دور» به عنوان یکی از راه‌های اساسی برای تحت پوشش قرار دادن آموزشی کودکان و بازماندگان از تحصیل و نیز کاهش بی‌سوادی مطرح بوده ولی متأسفانه تاکنون نه تنها توفیق چشمگیری حاصل نشده بلکه با تعطیلی مدارس در دو سال اخیر «شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی آموزشی» به دلایل زیر بیش از پیش نمایان شده است: نبود زیرساخت‌های لازم برای آموزش‌های غیرحضوری، توسعه نیافتگی تکنولوژی ارتباطات، عدم آموزش و آشنایی معلمان، مدرسان و دانش‌آموزان با پلتفرم‌ها و نرم‌افزارهای آموزشی، عدم آشنایی با شیوه‌های تدریس این نوع آموزش‌ها و نبود دسترسی بسیاری از دانش‌آموزان به ویژه در مناطق محروم و کم‌برخوردار به ابزارهای لازم برای این نوع آموزش؛ ابزارهایی مثل گوشی‌های هوشمند، تبلت و لپ‌تاپ و... موجب شده تا ضمن افت آموزشی شدید تعداد زیادی از کودکان در سن تحصیل از درس خواندن محروم و برخی دیگر یا دچار وقفه تحصیلی شده یا ترك تحصیل کنند...

آمارهای آموزش و پرورش و نیز افزایش تعداد کودکان کار در مناطق مختلف به خصوص در دو سال اخیر گواه این ادعا است. همه این موارد

سبب شده تا صدای اعتراض و هشدارهای فعالین حوزه آموزش و پرورش و تشکلهای مختلف معلمي بیش از گذشته به گوش برسد زیرا معلمان فهيم خوب ميدانند که «تضاد و شکاف طبقاتي و بيعدالتي آموزشي» موجود؛ به عنوان (مادرِ بحرانها) چگونه ميتواند سبب زايش و رشد انواع برزهاي اجتماعي، بيکاري، فقر و ساير معضلات اجتماعي درکشور شود که تبعات آن نه تنها گريبانگير سيستم آموزش و پرورش که دامنگير همگان خواهد شد؛ از اينروست که دلسوزانه فریاد برميآورند و به حاکميت، دولت و وزارت آموزش و پرورش - به عنوان متولي آموزش - اصل از ياد برده قانون اساسي يعني(آموزش عمومي فراگير و رايجان براي کودکان و نوجوانان تا پايان دوره متوسطه) را يادآور ميشوند. زنگ خطري که معلمان به کمک تشکلهای مختلف فعال معلمي به صدا در آورده اند براي آن است که بگویند؛ به هوش باشيد! سهم هشت و نيم درصدي آموزش و پرورش از بودجه عمومي کشور با توجه به گستره مسائل آموزشي و پرورشي و حجم زياد مطالبات به حق معلمان که تاکنون بي پاسخ مانده و نيز از بعد تعداد کثيري که به طور مستقيم يا غير مستقيم با اين وزارتخانه مرتبط بوده و به نوعي از آن منتفع ميشوند؛ پاسخگو نيست. بايد تا دير نشده تلاش کرد و سهم آموزش و پرورش را از اين بودجه بالا برد زيرا معلم و دانش آموز امروز متفاوت از ديروز است. او آگاه شده و سهم خود را از سفره بودجه طلب ميکند. اگر اين آگاهي را درک نکنيم و به مطالبات و خواسته ها و نيازهاي مغفول آموزشي معلم و دانش آموز منطقي پاسخي درخور ندهيم شايد خسارتهای پيش آمده پيدا و پنهان فردا، قابل جبران نباشد. نجواها، صداها و فریادهای در گلو مانده دلسوزان متعهد را بشنویم؛ با افزايش سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومي، برنامه ريزي به وسيله اهل فن و متخصصان حرفه اي و تعيين اولويتها و نيز دعوت از سازمانهاي مردم نهاد و خيرين در جهت توانمندسازي و حمايت از خانواده ها و تجهيز مدارس ،کشتي در گل مانده آموزش را نجات دهيم شايد فردا دير باشد!

منبع: روزنامه اعتماد 4 بهمن 1400 خورشیدی